

# هجوم مجلس سرمایه داران به ته مانده های مواد حمایتی قانون کار با طرح تبصره ی الحاقی به ماده 41 قانون کار

حسین اکبری

بارها قانون کار مصوب مجمع تشخیص مصلحت که در اساسی ترین فصول آن چون فصل ششم ؛ اشکالات جدی وجود داشته است، مورد دست اندازی های جدی نمایندگان آشکار و پنهان سرمایه داری ایران قرار گرفته است. اگر تنها دهه نود را مورد توجه قرار دهیم از سوی دولت نهم در آذر ماه پیش نویسی با امضای آقای احمدی نژاد به مجلس ارائه گردید که طی آن مواد، بندها و تبصره هایی از قانون کار باید تغییر می کرد.

درباره ی ارسال آن پیش نویس از سوی دولت چنین آمده بود : «حال دولت پیش نویس نهایی قانون کار را در ماه جاری (آذرماه) با امضای دکتر محمود احمدی نژاد رئیس جمهور و عبدالرضا شیخ الاسلامی وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی برای تصویب نهایی به مجلس شورای اسلامی ارسال کرده و پارلمان نیز پیش از آغاز مراحل بررسی، آن را به مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی سپرده است تا نقایص آن را برطرف کرده و اگر نیاز به اصلاح دارد، آن را برای اصلاح مجدد به دولت برگرداند.» (خبرگزاری مهر 25 آذر 1390)

تاریخچه این طرح در دوران ریاست جمهوری احمدی نژاد به سال سال 1385 بر می گشت و تهیه پیش نویس اصلاحیه قانون کار که در برگیرنده تغییراتی در مواد (7)، (21)، (24)، (27)، (30)، (96) و (119) کار و فصل ششم قانون به استثنای مواد (133)، (134) و (138) این فصل بود که در این دوره با توجه به اعتراضات شدید فعالان کارگری و فضای پر التهاب ناشی از گسترش دامنه اعتراضات و رویداد های مطالباتی کارگران، این اصلاحیه موقت از دستور کار خارج شد و پس از 5 سال با گستردگی بیشتر و تغییرات جدی تر «لایحه» جدیدی ارائه شد که ویژگی های منحصر به فردی را دار بود و با وسواس خاصی تلاش شده است همه حقوق کار را در همه حوزه های روابط کار تابعی از شرایط سازد.

در تاریخ 22 مهر ماه 1390 به نقد و بررسی پیش نویس لایحه اصلاح موادی از قانون کار پرداختم که طی آن ویژگی های «لایحه» با به قرار زیر توضیح دادم :

1\_ فاصله گیری و تضاد قانون کار با فصل سوم قانون اساسی که بر حقوق ملت تاکید دارد .

2\_ مانع و جامع نبودن «لایحه اصلاح موادی از قانون کار» (قانونی که همه مبانی و اصول مربوط به موضوع را خود داشته باشد تا شفافیت لازم برای مجریان قانون و کسانی که آن قانون برای آنها وضع می شود را فراهم آورد جامع است و قانونی که از وجود همه چیز هایی که تفسیر و برداشت از آن را دچار دوگانگی و چندگانگی می کند، مبرا و تهی باشد، مانع است به این ترتیب هر گاه قانونی فاقد این دو تعریف باشد مانع و جامع نیست.)

3\_ تابعیت قانون کار از آیین نامه های اجرایی.

مغایرت «لایحه اصلاح موادی از قانون کار» با مقوله نامه ها و پیمان هانه های بین المللی چون مقوله-4 .. نامه حق آزادی تشکل از مصوبات سازمان بین المللی کار و پیمان نامه حقوق کودک و

همین لایحه «لایحه اصلاح قانون کار» که در سال ۹۱ از سوی دولت محمود احمدی نژاد به مجلس ارائه شده بود اما در مجلس نهم بررسی نشد؛ در دولت حسن روحانی در خرداد ماه 1395 موافقت شد که لایحه ارسال شده از سوی دولت سابق دوباره در دستور کار مجلس قرار گیرد. که در باره ی آن در همین نوشتار بیشتر خواهم گفت .

طرح استادشاگردی از دیگر موارد هجوم به قانون کار که به صورت شیوه نامه ای در سال 1385 در دولت احمدی نژاد تصویب و بصورت آزمایشی بکار بسته شد این طرح در دولت روحانی در سال 1392 در دستور کار قرار گرفت. ویژگی این طرح کنار نهادن فصل پنجم قانون کار در مورد توسعه نیروی انسانی در تربیت کارآموزان و سپردن نیروهای کار به گارگاه ها و کارخانه ها بصورت رایگان بود که این طرح نیز در همان سال با مخالفت شدید همراه شد. بیش از شش هزار امضا برای ابطال طرح استاد شاگردی از سوی کارگران که طی آن اعلام کرده بودند : «نه بازبینی و نه بایگانی فقط ابطال استاد شاگردی» ابطال این طرح را خواستار شدند.

در سال 1393 از سوی ILO همچنین در واپسین ساعات روز پایانی اجلاس سازمان بین المللی کار هیات نمایندگی مجمع سراسری نمایندگان کارگران ایران شکایتی علیه طرح ضد قانونی استاد شاگردی به دبیرخانه این سازمان تسلیم می گردد . این شکایت پس از آن صورت می گیرد که تلاش های انجام گرفته و مذاکرات با وزارت کار برای ابطال این طرح به نتیجه نمی رسد. با طرح این شکایت و اعلام آن از سوی دبیرخانه سازمان بین المللی کار موضوع طرح "استاد شاگردی نوین" برای مدتها تا همین امروز همچنان به قوت خود باقیست و از دستور کار هیچ یک از دولت ها خارج نشده است

همچنان که بالاتر اشاره شد در تیرما 1395 باز هم هجومی دیگر علیه قانون کار شکل گرفت در همین زمان طی مقاله ای با عنوان «هجومی سه گانه برای "اصلاح" قانون کار به سود کارفرمایان» چنین توضیح دادم: " اخیرا سه موضوع به صورتی جداگانه و در عین حال هماهنگ برای حذف مقررات کار از

زندگی کارگران از سوی دولت به جریان افتاده است موضوع نخست ارائه دوباره لایحه "اصلاح قانون کار پیشنهادی دولت دهم به مجلس در تاریخ 13/4/1395 و اعلام وصول این لایحه از سوی هیات ریسه مجلس است. موضوع دوم طرح دوباره بررسی "شیوه نامه استاد شاگردی" از سوی وزارت کار و دعوت از نمایندگان تشکل‌های رسمی کارگری و کارفرمایی به نشست مشترک این نمایندگان با نمایندگان معاونت های اشتغال، تعاون و روابط کار وزارت تعاون کار و امور اجتماعی است که اولین نشست آن در تاریخ دوشنبه 14/4/1395 در وزارت کار برگزار شد و سومین موضوع بررسی تعمیم معافیت‌های مربوط به کارفرمایان مساجد و بقاع متبرکه به تمامی کارگاه‌های کوچک دارای پنج کارگر و کمتر تشکیل که جلسه شورای عالی کار در روز سه‌شنبه (22 تیرماه 1395) به آن خواهد پرداخت

در بیست و هفتم تیرماه همان سال (1395) باز هم در مقاله ی دیگری ابعاد تازه‌ای را از مقررات زدایی در روابط کار به شکل گسترده ای در مقاله ای با عنوان « هجومی چند لایه علیه حقوق کار در ایران - این بار بخش وسیع تری از کارگران ایران از شمول قانون کار خارج خواهند شد!» توضیح دادم: «از گزارش های دیگری در راستای لغو مقررات کار با خبر شدم. این بار سیل حادثه سهمناک تر از پیش است گویا دولت یازدهم بیاری مجلس مصمم است تا گروه زیادی از کارگران ایران را از شمول قانون کار خارج کند!» بدین ترتیب که: «ماجرای این قرار است که دولت یازدهم در جمهوری اسلامی لایحه یک فوریتی "ایجاد مناطق آزاد تجاری و ویژه اقتصادی جدید" را در تاریخ چهاردهم تیر ماه 1395 تقدیم مجلس می کند. بنا به گزارش شاننا (شبکه اطلاع رسانی نفت و انرژی) رئیس جمهوری، لایحه ایجاد ۷ منطقه آزاد تجاری، صنعتی و ۱۲ منطقه ویژه اقتصادی را برای طی تشریفات قانونی به مجلس شورای اسلامی تقدیم کرد. براساس این لایحه به دولت اجازه داده می‌شود در استانهای گلستان (اینچه برون)، ایلام (مهران)، اردبیل (اردبیل)، سیستان و بلوچستان (سیستان)، کردستان (بانه، مریوان)، هرمزگان (جاسک)، بوشهر (بوشهر)، منطقه آزاد تجاری، صنعتی را در محدوده‌هایی که به تصویب هیئت وزیران می‌رسد ایجاد کند. همچنین دولت می‌تواند در استانهای فارس (فسا)، یزد (ابركوه، میبد)، زنجان (زنجان)، کهگیلویه و بویر احمد (گچساران)، آذربایجان غربی (سرو، ارومیه)، خراسان رضوی (خواف، قوچان)، لرستان (خرم آباد)، قزوین (تاکستان) و اصفهان (شاهین شهر) منطقه ویژه اقتصادی و در استان البرز (ساجبلاغ) منطقه «ویژه اقتصادی دارویی ایجاد کند

براساس این گزارش در جلسه علنی مجلس شورای اسلامی یک فوریت لایحه «ایجاد ۷ منطقه آزاد تجاری، صنعتی و ۱۲ منطقه ویژه اقتصادی» در دستور کار قرار گرفت که پس از توضیحات اکبر ترکان مشاور رئیس جمهور و دبیر شورای عالی مناطق آزاد و نیز سخنان نماینده مخالف و موافق، نمایندگان با ۱۳۰ رای موافق، ۱۰۰ رای مخالف و ۱۲ رای ممتنع از مجموع ۲۵۶ نماینده حاضر با یک فوریت یک لایحه موافقت کردند.

سیاست های انقباضی دولت یازدهم در حوزه روابط کار، هر روز بیشتر می‌شود از یک سو طرح استاد شاگردی مجدد به شورای عالی کار باز می‌گشت و از سوی لایحه به اصطلاح اصلاحی بر قانون کار تقدیم مجلس می‌شد و یا به بهانه ماده 191 مدتها بی‌هیچ توجیه قانونی کارگران کارگاه های دارنده تا ده نفر را از شمول قانون کار خارج شده بودند؛ را ادامه می‌داد و این همه به خاطر ارزان سازی هر چه بیشتر نیروی کار کارگران و مزد و حقوق بگیران در مناطق آزاد و ویژه به مناطق آزادی استثمرکارگران بدل شد تا سرمایه داران امنیت سرمایه گذاری را به دست آورند .

ی این اقدامات با کدهای معینی مثل مبارزه با بیکاری و یا مبارزه با اشتغال های غیر رسمی جالب اینکه همه در ذیل سیاست ایجاد اشتغال بیان می‌شود .

به گزارش خبرنگار مهر، پنجشنبه ۱۴ مرداد ۱۳۹۵ محمدرضا پورابراهیمی در نشست مشترک رئیس و اعضای کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی و مدیران، صاحب نظران و فعالان اقتصادی خراسان رضوی که ظهر پنجشنبه در اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی برگزار شد، اظهار کرد: "ظرفیت های تولید، بیمه و قانون کار در کشور معضلاتی است که امروزه باعث ایجاد وضعیت نامطلوب اقتصادی شده است."

وی همچنین به موضوع وضعیت قوانین و مقررات کشور اشاره کرد و افزود: "در حال حاضر قانون کار ایران، بزرگترین مانع تولید و اشتغال در کشور است براساس اعلام سازمان جهانی کار، سخت ترین قانون کار دنیا متعلق به ایران است که اثرات وضعی آن به وضوح در اقتصاد ایران قابل مشاهده است."

آنها حتی به دروغپردازی و نقل گزارش نادرست از سوی سازمان بین المللی کار متوسل شدند و به جای طرح ادعاهای سازمان تجارت جهانی و بانک جهانی و همچنین صندوق بین المللی پول به دروغ پای سازمان بین المللی کار را به میان کشیدند تا مدعی شوند که حتی سازمان مرجع روابط کار بین الملل نیز قانون کار در ایران -این شیر بی یار و دم و اشکم\_ که حتی مقاله نامه های بین المللی از جمله مقاله نامه 87 و 98 در آن به صراحت نقض شده است ؛ را سخت گیرانه شناخته است .

گزارش دیگری نشان داد که نه موضوع اشتغال بل که موضوع منافع سرمایه داری ایران است که قانون کار را در مرکز توجه همه دولت ها در جمهوری اسلامی قرار داده است .

بنا به گزارش خبرنگار ایلنا نشست تخصصی نقش سیاست های حداقل دستمزد کارآفرین در صنایع کوچک و متوسط در محل اتاق بازرگانی ایران با حضور فعالان بخش خصوصی و مدیران اتاق بازرگانی، برگزار شد.

در این جلسه «محمدرضا کارگر» مدیرکل توسعه اشتغال و سیاستگذاری بازار کار به عنوان نماینده دولت حضور داشت؛ بر اشتغالزایی و مبارزه با بیکاری از طریق ارزان سازی نیروی کار و تعیین دستمزد بر اساس بهره‌وری تاکید کرد.

"کارگر" بدون اینکه به کوچک شدن حجم سبد معاش کارگران در اثر اجرا نشدن بند 2 ماده 41 قانون کار و نبود امنیت شغلی در پی عدم اجرای ماده 7 قانون کار اشاره ای بکند؛ تاکید کرد که: "مزد باید بر اساس میزان بهره‌وری کارگران تعیین شود. وی تاکید کرد که قانون کار قانون حمایت از کارگر است نه حمایت از کار."

نماینده دولت در بخش دیگری از صحبت‌هایش با اشاره به وجود تعداد بالای فارغ التحصیلان بیکار خطاب به فعالان بخش خصوصی گفت دولت آماده است تا پتانسیل ارزان‌سازی کارگران را در اختیار کارفرمایان بگذارد، زیرا اساس کار این است که فارغ التحصیلان دانشگاهی به دنبال جمع کردن رزومه هستند و کارفرمایان می‌توانند بدون صرف هزینه برای حقوق و دستمزد آنها را به خدمت بگیرند.

کارگر در پایان صحبت‌هایش تاکید کرد که هزینه‌های نیروی کار برای دولت بالا است و مشارکت فعالان بخش خصوصی برای پایان دادن به این «سیکل نامطلوب» ضروری است. (ایلنا ۱۳۹۵/۰۵/۱۳)

از همین گزارش دریافت می‌شد که نمایندگان سرمایه داری دولتی ایران طرح تازه ای هم برای دانشجویان و فارغ التحصیلان دارند که چندی بعد از آن رونمایی شد. "طرح کارورزی" به عنوان مکملی بر "استاد شاگردی نوین" احمدی نژاد که جلوتر به آن خواهیم پرداخت.

هزاران تن از کارگران، روز شنبه ۲۹ آبان 1395، همزمان با سالروز تصویب قانون کار، در اعتراض به لایحه تغییر قانون کار و طرح ادغام صندوق درمان تأمین اجتماعی در طرح تحول سلامت، در مقابل مجلس تجمع کردند. خبرگزاری کار ایران، ایلنا، شمار حاضران در تجمع اعتراضی روز شنبه را «سه هزار تن» ذکر کرده بود.

بدین ترتیب لایحه اصلاح قانون کار برای بار دوم با شکست روبرو شد اما تلاش دولتمردان طرفدار نظام اقتصادی سرمایه داری نئولیبرال در مقررات زدایی از روابط کار ادامه یافته است.

در سوم خرداد ماه 1396 مشاور وزیر و مدیرکل سیاست‌گذاری و توسعه اشتغال وزارت کار، با اشاره به هدف‌گذاری اشتغال سالانه ۱۵۰ هزار فارغ التحصیل بیکار در قالب طرح کاروزی، از معافیت ۲ ساله کارفرمایان از پرداخت حق بیمه خبر داد. وی با بیان اینکه طرح کارورزی ذیل طرح کاج (کارآفرینی و اشتغال برای جوانان) در دستور کار دولت قرار گرفته است گفت: این طرح در سال گذشته در ۸ استان کشور به صورت آزمایشی اجرا شد و امسال به سراسر کشور تعمیم داده شده است که در این زمینه اخیراً و

بعد از آغاز اجرای طرح طی جلساتی، تلاش کردیم تا نقاط ضعف طرح را شناسایی و نسبت به رفع آنها اقدام کنیم.

مشاور وزیر و مدیرکل دفتر سیاست‌گذاری و توسعه اشتغال وزارت کار با اشاره به اینکه علاوه بر دانش‌آموختگان دانشگاهی، «کارفرمایان» و «واحدهای متقاضی جذب کارورز» نیز مخاطبان اجرای طرح برای کارورزان [karvarzi.mcls.gov.ir](http://karvarzi.mcls.gov.ir) کاروزی هستند گفت: در حال حاضر سامانه ثبت نام به نشانی [karvarzi.mcls.gov.ir](http://karvarzi.mcls.gov.ir) و واحدهای پذیرنده کارورزان فعال است که می‌توانند آمادگی خود را برای اشتغال یا جذب متقاضیان اعلام کنند.

بدین ترتیب ادامه سیاستی که دانشجویان به درستی آن را "بیگارورزی" نام نهادند به مرحله اجرا در آمد.

در ارزیابی این طرح، در مقاله ای با عنوان: "طرح کاروزی" وزارت کار، مغایر با توسعه منابع انسانی است! توضیح دادم که موضوع طرح کارورزی از سوی وزارت کار دولت یازدهم ادامه همان سیاست هایی است که در دولت های نهم و دهم آغاز شد و دستور العمل هایی چون طرح "استاد شاگردی نوین" را رقم زد که طرح پایلوت آن در دولت یازدهم اجرا شد و ادامه همان یورش سازمان یافته ایست که طی سال ها از سوی همه دولت ها به قانون کار شد و در دولت یازدهم هم با لایحه ضد کارگری تدوین شده در دولت احمدی نژاد به مجلس راه یافت و دولت یازدهم نیز تا روزهای منتهی به انتخابات از بازپس گیری آن خودداری کرد. سیاست اقتصادی توسعه گریزی که بر پایه

مقررات زدایی از روابط کار اعم از مقررات ناشی از اصول مصرحه در قانون اساسی، قانون کار (ILO) و تعهدات دولت در قبال مقابله نامه های سازمان بین المللی کار

(2) مطیع سازی نیروی کار بالقوه (جویندگان کار)

(3) حفظ نرخ دستمزدها در کمترین حد ممکن

(4) کاهش انتظارات در بین فارغ التحصیلان

(5) دادن رانت مثبت به سرمایه گذاران از راه گزینش به اختیار و ارزان و مطیع نیروی کار

(6) دادن رانت مثبت به سرمایه گذاران و سیستم کارفرمایی با کاهش تعهدات قانونی در برابر نیروی کار

(7) ایجاد رقابت منفی در بین شاغلین و بیکاران برای حفظ شغل و تنظیم عرضه و تقاضا به سود سرمایه‌داران.

گو اینکه مخالفت های زیادی از سوی محافل کارگری و دانشجویی با این طرح بوجود آمد اما این طرح هم همراه طرح "استاد شاگردی نوین" احمدی نژاد همچنان از نظر دولتهای بعدی و تا کنون قابل قبول و طرحی اجرایی است.

سیاست های سرمایه داری ایران علیه مقررات موجود حداقلی در مناسبات و روابط کار در همین جا خاتمه نیافته و اساسا این سیاست به مبارزه ای مدام بین کار و سرمایه بدل شده است ویژگی کنونی سلطه‌ی نئولیبرالیسم اقتصادی در ایران حکم قطعی به نقض مقررات کار با هر شکل و شیوه را دارد؛ دقیقا در حال اجراست.

آنچه که برای سرمایه داری نئولیبرال اهمیت دوچندانی یافته است ایجاد آسایش و امنیت برای سرمایه گذاری و سرمایه داران است و الا کیست که نداند قانون کار فعلی کمترین کارکرد را در مناسبات و روابط کار ندارد!؟ چطور می‌شود با سیطره کامل و سیستماتیک قرارداد های موقت، کوتاه مدت، حجمی و پیمانی سخن از اجرای مصوبات مزدی و نظارت دولت بر آن را به میان آورد!؟

این تلاش برای حذف مقررات سخت‌گیرانه و محدودیت های قانونی از ابتدای دولت کارگزاران سازندگی و اجرای سیاست های تعدیل رقم خورده است. وجود قراردادها در بیش از 95% از روابط کار نشان از عدم اجرای اساسی حقوق کار در ایران را دارد. اما این همه سرمایه داری ایران را راضی نمی کند چرا که قانونمند شدن بی قانونی در روابط کار هدف اصلی است که باید جاری شود. اساسا از ابتدای طرح پیش نویس قانون کار پس از انقلاب دودیدگاه با یک آبشخور علیه کارگران وجود داشت دیدگاه مبتنی بر فقه که اصل تراضی طرفینی را پیش می‌برد و روحانیون و کسانی چون احمد توکلی به تبعیت از آنان منادی آن بودند و دسته دیگر که با تکیه بر "اصل آزادی اختیار" خواهان رفع تکلیف قانونی از روابط کارگری و کارفرمایی بودند که منادیان آن نیز اتاق بازرگانی و صنایع و معادن با پرچمداری امثال مهندس علینقی خاموشی این "اصل آزادی اختیار" را فریاد می زدند و امروزه علاوه بر اتاق ها و ستادهایی زیر نام های فریبکارانه‌ی «خیریه نذر اشتغال امام حسین» و مضحک ترین شکل های توسل به معتقدات مردم ؛ آنها را به بردگی می خواهند و به همین هم محدود نموده است، دولت ها و مجالس تاکنونی نیز در خدمت این اصل سرمایه دارانه در آمده اند . امروز هر دو جریان در خدمت نئولیبرالیسم اقتصادی و سیاسی قرار دارند و عمل می کنند.

نمایندگان سرمایه امروز هیچ دلیلی برای پنهان کردن نیت استثمارگرانه خود نمی‌بینند و برایشان اصلا مهم نیست که کارگران در چه شرایطی زندگی می‌کنند. کافیسست یکبار دیگر اظهارات مدیر "خیریه نذر اشتغال امام حسین" اصفهان را که پیشتاز طرح های استثمارگرانه سیاست نئولیبرالیسم اقتصادی را در آستانه تعیین مزد پایه در سال 1398 بخوانیم تا دریابیم اهداف بهره کشانه را تا عمق روستاها برنامه ریزی کرده اند و برده‌داری را برحسب جغرافیای کشور و ناتوانی کارگران در مناطق روستایی که فاقد هرگونه همبستگی با سایر کارگران کشور نیز هستند را بهتر درک کنیم .

یکی از آخرین رایزنی ها برای تعیین حداقل دستمزد، در تاریخ 5/11/1398 در اتاق بازرگانی تهران و با حضور اکبر اخوانمقدم، مدیرعامل "موسسه خیریه نذر اشتغال امام حسین" که فعالیت چشم گیری در

مقررات زدایی از قانون کار دارد، صورت گرفته است.\* در این گردهمایی مدیر این موسسه انتفاعی به ظاهر خیریه، به تشریح پیشنهادات خود مبنی بر منطقه‌ای شدن حداقل دستمزد پرداخت. او با طرح این پرسش که آیا عملکرد شورای عالی کار، در تعیین دستمزد، سراسری صحیح بوده است، در تشریح طرح پیشنهادی خود گفت: "پیشنهاد سازمان جهانی کار این است که حداقل دستمزد براساس بخش‌های اقتصادی، جنسیت و مناطق مختلف محاسبه شود. همچنین، مرکز پژوهش‌های مجلس در یکی از گزارش‌های خود اعلام کرده است که یکسان بودن حداقل دستمزد برای تمامی مناطق و گروه‌های سنی، مانع مهمی در ایجاد اشتغال است. در عین حال، ماده 41 قانون کار نیز شورای عالی کار را موظف می‌کند میزان حداقل دستمزد کارگران را برای مناطق مختلف یا مشاغل مختلف تعیین کند."

مدیر عامل موسسه خیریه نذر اشتغال عنوان کرد: "با توجه به ظرفیت مرکز آمار ایران، می‌توان برای 31 استان کشور، 124 منطقه دستمزدی تعریف کرد. او ادامه داد: پیشنهاد ما، حداقل دستمزد 4 میلیون تومانی برای کارگران تهرانی، حداقل دستمزد 3 میلیون تومانی برای کارگران شهرهای متوسط، حداقل دستمزد 2 میلیون تومانی برای کارگران شهرستان‌های کوچک و پیشنهاد دستمزد کمتر در روستاها برای انتقال مشاغل به روستاها است." و ادامه داد: "با کمتر شدن ضریب دستمزد در مناطق کمتر برخوردار، کارآفرینان برای سود بیشتر، کارگاه‌های خود را به مناطق محروم خواهند برد."

او همچنین کاهش نرخ بیکاری، افزایش دستمزد کارگران شهری، اشتغال پایدار برای روستاییان، کاهش مفاسد اجتماعی، رونق تولید در مناطق روستایی به واسطه اشتغال صنایع کوچک و جلوگیری از هیجانات اجتماعی مشابه آنچه برای بنزین رخ داد را از مزایای اجرای این طرح برشمرد.

وقتی به کلیدواژه‌های این توجیهات توجه کنیم درمی‌یابیم که دقیقاً این کلیدواژه‌ها در پیشنهاد الحاقیه تبصره 2 به ماده 41 قانون کار نیز دیده می‌شود. در واقع تفکراتی که در مجلس خصوصی سرمایه داری ایران چون اتاق‌های بازرگانی و انواع ستادهای ریز و درشت سرمایه بر زبان می‌آید؛ دقیقاً در مقدمه‌ی دلایل توجیهی طرح الحاقی ارائه می‌گردد.

این کلیدواژه‌ها را که غالباً نادرستی آنها در طرح‌های مشابه و در عمل به اثبات رسیده عبارتند از:

کاهش نرخ بیکاری

افزایش دستمزد کارگران شهری

اشتغال پایدار برای روستاییان

کاهش مفاسد اجتماعی

رونق تولید در مناطق روستایی به واسطه اشتغال صنایع کوچک



جلوگیری از هیجانات اجتماعی مشابه آنچه برای بنزین رخ داد

اما واقعیت جز این ادعاهای بی پایه است چرا که مبارزه با بیکاری و کار غیر رسمی نه در حذف مقررات کار و افزودن تبصره ای برای ایجاد مزد به اصطلاح توافقی و منطقه ای که در برنامه ریزی های کلان اقتصادی و شناخت دلایل واقعی رکود تورمی و از میان برداشتن عوامل اصلی آن است .

در مقدمه دلایل توجیهی طرح الحاقی تبصره 2 با ماده 41 قانون کار هدف اصلی چنین طرحی آشکار شده است در واقع بناست برای کاهش هزینه های تولید بیشتر در روستا نسبت به شهر را از جیب کارگران بردارند بخوانیم :

هزینه های تولید در روستا بیشتر از شهر است، چرا که هزینه های حمل و نقل مواد اولیه، فروش» محصولات، تامین و دسترسی به نیروی متخصص، کمبود امکانات و دوری راه در مناطق روستایی بالاتر است. به همین علت، سرمایه گذاری در روستا صرفه اقتصادی ندارد و به واسطه بیکاری ناشی از آن به عنوان عامل اصلی، موجبات مهاجرت و انحطاط روستا ها و مناطق محروم را فراهم آورده است (۵۴/ ۷ % مهاجرت به دلیل اشتغال است). « (مقدمه ی توجیهی طرح)

مضحک ترین استدلال نمایندگان سرمایه داری پیشنهاد دهنده این است که عدم سرمایه گذاری در روستا ها را عامل اصلی مهاجرت نیروی کار به شهر ها بیان می کنند در حالیکه کاهش و سرکوب نرخ مزد ضریب مهاجرت را بالا ببرد .

- تبصره ی الحاقی پیشنهادی نمایندگان مجلس سرمایه داران نه تنها دستمزدها سرکوب می شود، بل که تبعات دیگری را هم به دنبال خواهد داشت !
- تبصره الحاقی حقوق و سایر مزایای متعلقه ی کارگران را توافقی و از شمول پرداخت حق بیمه خارج می کند !
- تبصره الحاقی ، صندوق تامین اجتماعی را ملزم به ارائه خدمات متناسب با مبلغ دریافتی بیمه ی کارگران خواهد کرد !
- تبصره الحاقی هرگونه تعهد قانونی در مورد بیمه کارگران را از دوش از دوش کارفرمایان برمیدارد !
- تبصره الحاقی اجرای ماده 191 قانون کار را دائمی خواهد کرد !
- بامصوب شدن تبصره الحاقی هرگونه حادثه ی حین کار و از کار افتادگی ناشی از آن ، مستمری تنها براساس حقوق توافقی برقرار می گردد !

• با تصویب لایحه الحاقی موضوع حق سنوات خدمتی بنا به "توافق" بین کارگر و کارفرما از امتیازات شغلی حذف خواهد شد!

• با الحاق تبصره پیشنهادی نمایندگان مجلس شورای اسلامی کلیه کارگاه های تا دارنده ده نفر در مجاورت روستاها از شمول قانون کار حذف خواهند شد و تابع آیین نامه ی کارگاه یا به عبارت دیگر قانون کار کارفرمایی خواهند شد!

• تبصره الحاقی بسیاری از مواد قانون کار از جمله جرایم ناشی از عدم رعایت مواد قانون کار را بی اثر خواهد کرد و به همین نسبت کارگران را از دادخواهی در مراجع حقوقی تعریف شده در قانون کار و مراجع بالادستی قضایی محروم خواهد کرد!

• تبعات اجتماعی این گونه لوایح دقیقاً مفهوم مخالف چنین ادعاهایی است افزایش آسیب های اجتماعی و بروز اشکال جدیدی از هیجانات فردی و اجتماعی قطعاً از نتایج چنین گسترش فقر و بیعدالتی و استثمار افسار گسیخته ی کارگران و زحمتکشانشان خواهد بود!

متأسفانه در طی یک دهه اخیر از سوی طبقه ی کارگر ایران مبارزات هم سنگی در برابر این تهاجمات و نقض آشکار حقوق کار در ایران و مبارزه با مقررات زدایی از روابط کار بطور جدی و سراسری صورت نگرفته است. قانون کار هر سال نسبت به گذشته بی اعتبارتر و از مضامین حقوق بین الملل کار تهی شده است. علل بی توجهی به حقوق کار از همان ابتدای بعد از پیروزی انقلاب و در گرماگرم جنبش قانون کار که در سال های اول بسیار هم نیرومند بود (متأسفانه شرایط آن روز به ویژه جنگ این توان و نیرو را خنثی کرد) دارای یک اشکال اساسی و جدی بوده و هنوز هم این اشکال به قوت خود باقیست. انتظار طبقه کارگر ایران در آن زمان بیشتر حول منافع آتی و تضمین هایی که موجب عدم امنیت شغلی بود متمرکز گردید. مهمترین آن لغو ماده 33 که پلیس قانون کار نامیده می شد؛ بود. طبقه کارگر در آن سال های اولیه هنوز به درک طبقاتی از منافع آتی خود تجهیز نبود. بی تردید اگر آن روزگار موضوع حقوق کار و پیچیدگی های آن به عنوان بخش مهمی از آگاهی های طبقاتی در ذهن و اندیشه ی طبقه ی کارگر بارور و پرورده می شد؛ به سرمایه داری ایران و شورای انقلاب و دولت موقت و پس از آن نهادهای رسمی این اجازه داده نمی شد تا انواع بخشنامه هارا برای متوقف کردن فعالیت های همبسته و سازمان یافته کارگران صادر و به آن عمل کنند و بنگاه های کار و تولید را از داشتن تشکل کارگری محروم سازند و از این راه، نفوذ آگاهی را در ذهن و اندیشه ی کارگران ببندند! این محدودیت در ذهن طبقه کارگر ایران متأسفانه هنوز هم به گونه ی دیگر نسبت به واقعیت امروز و نقش سرمایه داری ایران در ادامه تهاجم به حقوق کار دیده می شود.

این محدودیت را می توان در عملکرد همه‌ی سازمان های کارگری باهر درجه از استقلال و با هر میزان از توانایی تشکیلاتی دید. متأسفانه سازمان های کارگری حتی در مورد منافع آنی هم به جای کنشگری به واکنشگری عادت کرده اند. در فرهنگ مبارزه یک عبارت عام همواره شنیده می شود و اینکه "بهترین دفاع حمله است". چرا کارگران ایران برای کسب دستمزد براساس قانون که آنهم فاصله جدی با دستمزد عادلانه دارد به انتظار رسیدن اسفند و تنها به مذاکره میز شورای عالی کار چشم می دوزند درحالیکه سرمایه داری ایران سالهاست شمشیر علیه حقوق کار و همین قانون حداقلی را از رو بسته است و به راحتی اردوی سرمایه از کارفرمایان تا دولت کارفرمایی و از اتاق های بازرگانی و خیریه های جعلی تا مجلس سرمایه داری را به خدمت می گیرند و با طرح نظرات خود و فضای رسانه ای به سود این نظرات چنان محیطی از تبلیغات را علیه همین قانون کار به شدت بی خاصیت راه انداخته اند و تصویب این قانون را به کمونیست ها و چپ ها نسبت می دهند که گویا اعضای مجلس شورای اسلامی، شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت همه از مدرسه حزبی اتحاد جماهیر شوروی اجتهاد و گواهینامه خود را دریافت کرده اند!؟

در مقابل کارگران و سازمان های کارگری کمترین کار ویژه ای را برای شناخت مبانی حقوق کار و شناساندن آن به کارگران در دستور فعالیت خود ندارند. برای مقابله همسنگ با این تهاجمات لجام گسیخته که جز اسارت و بردگی برای کارگران ندارد؛ گذشته از وحدت و تشکیلات، نیازمند آموزش حقوق کار و اقتصاد سیاسی برای کارگران و از مهمترین وظایف سازمان های کارگری و اندیشمندان این طبقه است. تشکیلات و آموزش تنها تضمین برای پایداری در برابر این افسارگسیختگی و تنها راه برون رفت از سنگر دفاعی در این نبرد نابرابر است.

در تاریخ 1398/11/05 دو کمیسیون «بهبود محیط کسب و کار و رفع موانع تولید» و «حمایت قضایی\* و مبارزه با فساد» اتاق بازرگانی تهران در نشست مشترک، طرح پیشنهادی موسسه خیریه نذر اشتغال در رابطه با نحوه اجرای قانون کار و تعیین حداقل دستمزد منطقه ای را به بحث گذاشتند

وبلاگ کار در ایران